



## یادداشت

## نگاهی به رمان «جنگ تمام می‌شود؟» روایت جنگ از خانه‌ای مخروبه

رمان «جنگ کی تمام می‌شود؟» اولین رمان صادق وفایی است که در واپسین روزهای سال۹۸ توسط نشر هیلا روانه بازار کتاب شد. یکی از مشخصه‌های بارز این رمان، کوتاهی فصل‌های آن است؛ این رمان بازه زمانی جنگ جهانی دوم را دربر می‌گیرد. زمان به گذشته‌های نه‌چندان دور برمی‌گردد؛ به روزهای پایانی جنگ آلمان، روسیه و آمریکا و بحران داستان در آن ایام شکل می‌گیرد.

فصل‌ها با راوی سوم شخص روایت می‌شود و نه تنها رشته داستان گم نمی‌شود، بلکه زبان‌روان و صیقل خورده جاری در فصل‌های کوتاه کتاب، به سرعت خوانش رمان کمک کرده و خوش خوانی آن را برای مخاطب لذت‌بخش می‌کند. به عبارتی، زبان داستانی رمان، روان و س ساده است و ساختار زبانی آن، بدون تکلف و پیچیدگی‌ها و استعارات خاص روایت می‌شود، به گونه‌ای که لحن داستان گویی نویسنده، مخاطب را خسته نمی‌کند و خواننده پایه‌پای راوی قدم در جهان داستانی می‌گذارد. داستان در خانه‌ای مخروبه در جنوب برلین روایت می‌شود؛ به گونه‌ای که انگار جنگ اصلی در آنجا در حال رخ دادن است و خانه مخروبه را به میدان جنگ تبدیل کرده، به‌طوری‌که جنگ اصلی کم‌رنگ و در حاشیه‌قرار می‌گیرد تا در انتهای داستان جنگ روی اصلی خود را نشان می‌دهد تا شخصیت‌ها براساس پایان جنگ در مورد سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند. (جنگ کی تمام می‌شود، به پایان زندگی شخصیت‌های داستان گره خورده است.) در خلال این داستان یک مثلث ارتباطی شکل می‌گیرد، اما در بطن این مثلث، شخصیت‌هایی هستند که خواننده تا انتهای داستان از وجود آنها بی‌اطلاع است و نویسنده در واپسین صفحه‌های کتاب، خواننده را از وجود آنها مطلع می‌کند. نویسنده سعی کرده در خلال این داستان به گذشته و حال هر ضلع این مثلث بپردازد و قضاوت در مورد سرنوشت آنها را به خواننده واگذار کند تا خواننده رادر کشاکش این ماجرا قرار دهد که آیا سرنوشتی که برای هر کدام از سه ضلع این مثلث تدارک دیده منصفانه است یا خیر. خواننده گاهی حق را به یکی از سه ضلع مثلث می‌دهد و مابقی را محکوم می‌کند و گاهی، عکس این حالت هم ممکن است رخ بدهد و خواننده دست از سرزنش شخصیت‌ها بردارد و حق را به آنها واگذار کند. پایبندی به عشق، وجه تشابه دو ضلع این مثلث است، اما ضلع سوم نه تنها عشقی در زندگی اش وجود نداشته، بلکه پایبندی و عشق در زندگی اش معنا و مفهومی ندارد و زیرکانه درصدد اغفال برمی‌آید غافل از اینکه روزی دستش روم می‌شود. خانواده و عشق را حتی می‌توان از روی عکس‌های قاب‌شده بر دیوار مخروبه که تنها آثار به‌جامانده از عشق قبل از جنگ است، دید؛ عکس‌هایی که شخصیت‌های داستان را به گذشته و یادآوری دوران قبل از جنگ پرتاب می‌کند تا شاید برای لحظه‌ای هم که شده، جنگ را از خاطر ببرند و پیش خود زمزمه کنند؛ پس این جنگ لعنتی کی تمام می‌شود؟

راشل؛ زن عاشق پیشه داستان برای جلوگیری از سردشدن رابطه با معشوقه‌اش و اثبات صداقت عشقش و دیدن سرزمینی که همسرش در آن کشته شده، پا در این وادی خطرناک می‌گذارد و در نیم‌روزی که در خانه‌ای در جنوب برلین به‌سر کرده تا به زندگی خودش در غیاب عشقش پایان دهد، بارها مرگ را تمام وجودش حس می‌کند، اما.... مردها در این رمان، همه کاپوس‌هایی هستند برای آرز دادن راشل؛ از سرگرد شولتز تا میخائیل در گانوف و مردان و سربازان روسی که بعدها بعد از پایان جنگ ممکن است پایشان به جنوب برلین باز شود. این حجم از دلپره و اضطراب باعث می‌شد راشل بارها و بارها این جمله را در ذهنش تکرار کند که «جنگ کی تمام می‌شود؟»

زنایی مشابه راشل در این داستان، از نظر سربازان خسته از صدای توپ و تفنگ و آتش و دود، غنایم جنگی به حساب می‌آیند. راشل خود را درون پیله‌ای محبوس می‌داند و تنها راه فرارش از این قفس و حصر، پناه بردن به روزهای خوشی بود که بازو در بازوی ایساک قدم می‌زدند و سرخوشانه به پرنده‌ها غذا می‌دادند و گاهی به سینما می‌رفتند تا با دیدن فیلمی عاشقانه خوشی‌های خود را تکمیل کنند. حتی در زمانی که یکی از مردان داستان بر سر به‌دست آوردنش می‌جنگد، او آرزو می‌کند کاش ایساک آنجا بود و حق آنها را کف دست‌شان می‌گذاشت. از همه مهم‌تر یاد آن روزی می‌افتد که بعد از رفتنش به جبهه می‌خواست در یک نامه، خبر خوشی که او بدهد تا او را امیدوارتر به خانه برگرداند، اما خبر دیگری او را غافلگیر می‌کند.

این نگاه در مورد دختر یهودی این داستان هم به همین شیوه روایت می‌شود؛ دختری که صرفا برای خالی کردن خشم یک سرباز از طرف سرگرد شولتز مقابل چشمان پدر و مادرش تیرباران می‌شود و در ازای آن ترفیع می‌گیرد تا برای تکرار این اتفاق شوم، جسورانه‌تر و بی‌پایک‌تر دست به تیاچن‌اش ببرد.

این ترفیع زمانی که نیروی بالادست سرگرد دوباره از او می‌خواهد پنج نفر از خائنان به مملکت وجاسوسان را اعدام کند، خودنمایی می‌کند. سرگرد هنگام بررسی مشخصات این پنج نفر اسسم یک زن و یکی از دوستانش را می‌بیند و در این کشمکش درونی، دستور می‌رسد هر چه زودتر کارشان را تمام کند، اما این بار خبری از ترفیع نیست؛ چیزی که سرگرد منتظر آن بود.

سربازگی که باعث مرگ دختر یهودی شده، در کشاکش عقل و احساس و شاید هم برای سرکوب کردن وجدانش مدام با خود تکرار می‌کند کاش روح او را نابود می‌کردم نه جسمش را. غافل از اینکه این دو حالت چندان فرقی با هم ندارند؛ فقط با کشتن جسم، او به یکباره می‌میرد و با کشتن روح، سال‌های سال می‌میرد و زنده می‌شود. ما را با دیگر شخصیت‌های این داستان با وجود اینکه دانشجوی رشته نقاشی است، اما گفت‌وگوهای فلسفی اش با هانس شولتز هم دانشگاهی اش آنها را وارد ارتباطات جدی‌تر کرده و زندگی و لذت بردن از زیبایی‌ها را مهم‌تر از مباحث پیچیده و سسخت فلسفه می‌داند. او با وجود اینکه بی‌برده که شولتز علاوه بر کارهای سازمانی و معمول اداری، کارهای متفاوت دیگری هم می‌کند، با این حال به او عشق می‌ورزد، اما طولی نمی‌کشد که این عشق جای خود را به جدایی ناخواسته‌ای می‌دهد؛ جدایی‌ای که طرفین از وقوع آن بی‌خبر هستند.

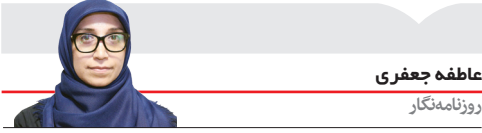
تضاد، درگیری‌های اعتقادی و مذهبی و لایه‌های فلسفی در کتاب در خلال هر بحران نمود پیدا می‌کند و شولتز، سرگرد وظیفه‌شناس آلمانی که در کل داستان موقعیت‌های دوگانه و متضاد سر راهش قرار می‌گیرد را بیش از دیگر شخصیت‌ها درگیر خود می‌کند تا در تنهایی و ذهنش با خود و اعتقاداتش بجنگد و گاهی بر آنها فائق و گاهی هم مغلوب شود.

قرار گرفتن شولتز در آن خانه مخروبه فرصتی است تا جانپاشش مدام در جلوی چشمانش رژه برونود با این جملات که اگر من آنها را نمی‌کشته، شخص دیگری می‌کشت، سعی می‌کند وجدانش را آرام کند.

میخائیل در گانوف یک افسر توپخانه سنگین روس‌ها است؛ شخصیتی سراسر عقده که شاید این ویژگی به علت فوت زود هنگام پدرش و تنها گذشتنن در سن دوسالگی از سوی مادرش و تربیت شدن از سوی عموش باشد که دل خوشی از پدرش نداشت. این سرگذشت، از او مردی دل‌سخت و بی‌اعتقاد ساخته است. در گانوف که زمانی در اوج بود و روزگار کامروایی را برای خودش را می‌گذراند، از اینکه سرنوشت‌نقشه‌های دیگری برایش ترسیم کرده و او چاره‌ای جز تن سپردن به سرنوشت و تقدیر ندارد، بی‌خبر است. اولین رمان صادق وفایی در ۱۲ فصل و ۱۶۰ صفحه روایت می‌شود.

احوالات فرهنگ در روزهای ابتدایی سال ۹۹ چگونه خواهد شد؟

## راه نجات از روزهای مغولی



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

**روایت تاریخ برداشت اول:** جونی مورخ ایرانی قلمی توانا در ایجاز نویسی برای تصویر کردن پاره‌ای از وقایع تاریخی دارد که شاید معروف‌ترینش این روایت باشد که در چند کلمه خلاصه می‌شود: «آمدند، کردند، سوختند، کشتند، بردند و رفتند» توصیفی تلخ از روزگاری که مغولان بی‌محایا بر سرزمین ایران تاختند و شاید در حافظه جمعی امروز ملت ایران، چیزی جز بدخویی این قوم صحرگرد باقی نمانده باشد، اما واقعیت این است که کشتار مغولان در ایران، تنها بخشی از تاریخ نزدیک به ۸ساله هژمونی میان مغولان فاتح و مغلوبان باشد. آنچه خشم مغولان را تعدیل کرد و آنها را در آخر به‌نوعی انفعال کشاند، نه نیروی نظامی ایرانیان بلکه غنای فرهنگی ایرانیان بود. فرهنگ ایرانی و طراحی جدید از نوع تعامل باعث شد تهدید بیگانه در مرز، حتی به فرصتی برای رشد و تکاپوی فرهنگ غنی ایرانی بدل شود.

### چه کنیم کتاب بماند؟

از زمانی که کاغذ گران شد و ناشران با مشکل خرید کاغذ روبه‌رو بودند، معضلات حوزه نشر و کتاب دوچندان شد و با هر تکان بازار و به‌هم ریختن وضعیت اقتصادی در سال ۹۸، اوضاع این حوزه نیز به هم می‌ریخت. با این وجود ناشران امیدشان به برگزاری نمایشگاه کتاب بود تا از این طریق بتوانند درآمدی داشته باشند. ناشران امیدشان را به نمایشگاه کتاب بسته بودند تا از این طریق بتوانند کسری‌هایشان را جبران کنند، اما اوضاعی که در رابطه با کرونا پیش آمد نشان می‌دهد

ممکن است حتی نمایشگاه کتاب در سال آینده هم برگزار نشود و این برگزار نشدن نمایشگاه ضرر زیادی برای ناشران همراه خواهد داشت و قطعاً باید چاره‌ای برای این وضعیت اندیشیده شود. الان فقط ناشران نیستند که در این حوزه مشمول ضرر می‌شوند، کتابفروشان هم به همین درد دچارند، به گفته آنها، بهترین زمان برای فروش کتاب، در ماه اسفند است که به تعطیلات نوروز نزدیک می‌شویم و مردم فرصت کتاب خواندن دارند. برای همین خرید زیادی در این ماه انجام می‌گیرد.

اما امسال با توجه به شرایط پیش آمده مجبورند تعدیل نیرو یا کتابفروشی را تعطیل کنند. اگر همه اینها را کنار هم بگذاریم به این نتیجه می‌رسیم که در سال ۹۹ برای اینکه دوباره فاجعه‌ای در حوزه کتاب نداشته باشیم از همین الان باید برنامه‌ریزی کرد. از برگزاری نمایشگاهی که بتواند ضرر این حوزه را برای ناشران کم کند تا برقراری طرح‌های فصلی به صورت پیوسته برای کتابفروشی‌ها که ضررهای این مدت را جبران کند. با احداثی، مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین‌الملل ایران که صحبت می‌کردم موضوعی را عنوان کرد که فقط به ناشرانی برمی‌گردد که در نمایشگاه کتاب در بخش بین‌الملل فعالیت می‌کنند؛ ناشرانی که برای به‌موقع رسیدن کتاب‌ها از دی ماه اقدام کرده‌اند و سفارش‌هایشان ثبت شده است و حالا همین عقب افتادن نمایشگاه برایشان کلی ضرر همراه دارد و همه چشم امید ناشران به وزارت ارشاد است که این کتاب‌ها را با کمک دانشگاه‌ها خریداری کنند تا ضرر بیشتری متوجه ناشر نشود. با همه این حرف‌ها اگر بخواهیم سال ۹۹ حوزه کتاب بیشتر از این ضرر ندهد از الان باید برنامه‌ریزی لازم انجام شود و راهکارهایی که وجود دارد بررسی و بعد هم به سرعت اعلام شود تا خیال ناشران و عرضه کنندگان حوزه کتاب برای سال پیش‌رو راحت باشد.

در وضعیتی که مردم در روزها ابتدایی امسال مجبور به ماندن در خانه‌هایشان هستند؛ فروش آنلاین کتاب، همچنین عرضه کتاب صوتی و الکترونیکی، جایگزین‌های خوبی هستند که می‌توانند تهدید این روزها را به بهترین فرصت فرهنگی بدل کنند. البته این کار نیازمند حمایت‌های دولتی و اطلاع‌رسانی رسانه ملی به صورتی نظام‌مند است.



ممکن است حتی نمایشگاه کتاب در سال آینده هم برگزار نشود و این برگزار نشدن نمایشگاه ضرر زیادی برای ناشران همراه خواهد داشت و قطعاً باید چاره‌ای برای این وضعیت اندیشیده شود. الان فقط ناشران نیستند که در این حوزه مشمول ضرر می‌شوند، کتابفروشان هم به همین درد دچارند، به گفته آنها، بهترین زمان برای فروش کتاب، در ماه اسفند است که به تعطیلات نوروز نزدیک می‌شویم و مردم فرصت کتاب خواندن دارند. برای همین خرید زیادی در این ماه انجام می‌گیرد.

اما امسال با توجه به شرایط پیش آمده مجبورند تعدیل نیرو یا کتابفروشی را تعطیل کنند. اگر همه اینها را کنار هم بگذاریم به این نتیجه می‌رسیم که در سال ۹۹ برای اینکه دوباره فاجعه‌ای در حوزه کتاب نداشته باشیم از همین الان باید برنامه‌ریزی کرد. از برگزاری نمایشگاهی که بتواند ضرر این حوزه را برای ناشران کم کند تا برقراری طرح‌های فصلی به صورت پیوسته برای کتابفروشی‌ها که ضررهای این مدت را جبران کند. با احداثی، مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین‌الملل ایران که صحبت می‌کردم موضوعی را عنوان کرد که فقط به ناشرانی برمی‌گردد که در نمایشگاه کتاب در بخش بین‌الملل فعالیت می‌کنند؛ ناشرانی که برای به‌موقع رسیدن کتاب‌ها از دی ماه اقدام کرده‌اند و سفارش‌هایشان ثبت شده است و حالا همین عقب افتادن نمایشگاه برایشان کلی ضرر همراه دارد و همه چشم امید ناشران به وزارت ارشاد است که این کتاب‌ها را با کمک دانشگاه‌ها خریداری کنند تا ضرر بیشتری متوجه ناشر نشود. با همه این حرف‌ها اگر بخواهیم سال ۹۹ حوزه کتاب بیشتر از این ضرر ندهد از الان باید برنامه‌ریزی لازم انجام شود و راهکارهایی که وجود دارد بررسی و بعد هم به سرعت اعلام شود تا خیال ناشران و عرضه کنندگان حوزه کتاب برای سال پیش‌رو راحت باشد.

در وضعیتی که مردم در روزها ابتدایی امسال مجبور به ماندن در خانه‌هایشان هستند؛ فروش آنلاین کتاب، همچنین عرضه کتاب صوتی و الکترونیکی، جایگزین‌های خوبی هستند که می‌توانند تهدید این روزها را به بهترین فرصت فرهنگی بدل کنند. البته این کار نیازمند حمایت‌های دولتی و اطلاع‌رسانی رسانه ملی به صورتی نظام‌مند است.

### کات کروناپی در سینما

شاید بیشترین ضرر از ویروس کرونا متوجه سینمایی‌ها شده باشد. کل برنامه‌ریزی‌شان بهره بردن از اکران نوروزی بود تا بتوانند فروش بهتری داشته باشند. سینمای ایران قرار بود با یک جشن بزرگ سراغ اکران نوروزی برود. طبق احتمالات بسیار قوی، فروش گیشه سال ۹۸ سینمای ایران تا دهه ابتدایی اسفند، به مرز ۳۰۰ میلیارد تومان می‌رسید. بیشترین فروش سال ۹۸ سینماها، در فروردین ماه بود که گیشه ۵۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیونی رقم خورد. حالا در وضعیتی قرار داریم که کل اکران سال ۹۹ یعنی اکران‌های نوروزی از دسترس فیلمسازان و حتی

مخاطبان سینمای ایران دور شده است. در آستانه سال ۹۹ با توجه به اینکه سینماها از اوایل اسفند تعطیل شدند، عملاً اکران نوروز شکست خورد و خیلی از فیلم‌ها اصلاً به نمایش هم نرسیدند.

اما این اتفاق دقیقاً مشابه با اتفاقی بود که در چین رخ داد، هم‌زمان با سال نویی که دارند این ویروس پخش شد؛ زمانی که آنها برنامه‌ریزی کرده بودند فیلم‌هایشان را در ایام تعطیلات پخش کنند. شیوع ویروس کرونا، مانع از دسترسی مخاطبان به سینمای روز چین نبود. اگرچه برخی توزیع کنندگان چینی به‌طور داوطلبانه اکران چندین نسخه فیلم را لغو کردند یا به تعویق انداختند، کمپانی Huanxi که توزیع‌کننده فیلم‌های پرفروش چینی است، اعلام کرد فیلم «گمشده در روسیه» یعنی بزرگ‌ترین شانس تجاری سینمای چین در سال پیش‌رو را به صورت رایگان از اینترنت پخش می‌کند. حتی مواد تبلیغاتی، مخاطبان را تشویق می‌کردند که در خانه با خیال راحت بمانند و به تماشای «گمشده در روسیه» بپردازند و این را هم در ذهن‌تان داشته باشید تمام این اتفاقات قبل از آن رخ داد که دولت چین به صورت قانونی تماشای فیلم در سالن‌ها را ممنوع اعلام کند. «اژدهای جاقی وارد می‌شود» که دومین شانس بزرگ تجاری امسال در سینمای چین محسوب می‌شد، هم به صورت آنلاین نمایش داده شد. سازندگان این فیلم ترجیح دادند به جای موکول کردن زمان نمایش آن به تاریخی امن‌تر، از پخش آنلاین این فیلم به‌عنوان ابزاری برای تشویق مردم به ماندن در خانه استفاده کنند.

این در حالی است که عملاً سینمای ایران، خودش را در وضعیت انتظار قرار داده و بدون هیچ واکنشی منتظر است ببیند چه می‌شود. سینماداران و پخش کنندگان سنتی سینمای ایران به‌شدت مخالف پخش آنلاین فیلم‌ها هستند و عملاً اکران فیلم‌ها در سال ۹۹ موکول به ایام دوری از بحران می‌شود. در چنین وضعیتی در سال ۹۹، شاهد تراکم اکران فیلم‌ها در فصل‌های اکران کران خواهیم بود و احتمالاً پخش زیادی از آثار سینمایی تولیدشده در یک سال گذشته، به این زودی‌ها فرصت اکران نخواهند داشت. در شرایطی که سازوکاری برای پخش اینترنتی وجود ندارد و مردم هم مجبور به در خانه ماندن هستند، اهمیت شبکه نمایش خانگی و سامانه‌های پخش آنلاین بیش از پیش احساس می‌شود.

### سریال کجایی؟



چندسالی است که منتقدان نسبت به رویه مدیران صداوسیما انتقاد می‌کنند که چرا شبکه‌های تلویزیون خالی از سریال‌های خوب و فاخر شده است و مدیران تلویزیون بعد از گل کردن برنامه‌هایی مثل «خندوانه» و «دورهمی» ترجیح دادند روند تولید سریال را کند کنند. رامبد جوان و مهران مدیری که با سریال‌های تلویزیونی مشهور شده بودند حالا تبدیل به مجربانی شده‌اند که باید جمعیت چندده نفری را به استودیو دعوت کنند تا صحنه‌گردان برنامه‌هایشان باشند. تهدید روزهای کروناپی ثابت کرد نقدهایی که در چندسال اخیر به تلویزیون شده درست بوده است. دستان مدیران خالی است و تلویزیون در حال بازپخش سریال‌هایی است که رضا عطاران در ماه رمضان ۱۰ سال پیش ساخته بود یا سریال‌هایی همچون «روزی‌روزاری» و سری‌های چندگانه «پایتخت» و «مرد هزارچهره». الان دو سه سالی است که خوراک فرهنگی که به شکل سریال در اختیار مخاطبان ایرانی قرار می‌گیرد در دست سریال‌سازان در شبکه‌های نمایش خانگی است یا اینکه منتظرند سریال‌های خارجی را به صورت قاچاق دانلود کنند. شاید تهدید کرونا باعث شود مدیران تلویزیون نسبت به غفلت از اهالی فرهنگ و هنر در تولید سریال تلویزیون، آگاه شوند و رویه ساخت سریال دوباره از سر گرفته شود یا اینکه سریال‌های خوب خارجی را روانه استودیوی دوبله کنند. شاید این جمله معروف که خیابان‌های شهر به خاطر پخش فلان سریال خالی شده، دوباره تکرار شود تا تفریح جذابی باشد برای خانه‌نشینی مردم، آن هم در روزهایی که باید در خانه بمانند.



مخاطبان سینمای ایران دور شده است. در آستانه سال ۹۹ با توجه به اینکه سینماها از اوایل اسفند تعطیل شدند، عملاً اکران نوروز شکست خورد و خیلی از فیلم‌ها اصلاً به نمایش هم نرسیدند.

اما این اتفاق دقیقاً مشابه با اتفاقی بود که در چین رخ داد، هم‌زمان با سال نویی که دارند این ویروس پخش شد؛ زمانی که آنها برنامه‌ریزی کرده بودند فیلم‌هایشان را در ایام تعطیلات پخش کنند. شیوع ویروس کرونا، مانع از دسترسی مخاطبان به سینمای روز چین نبود. اگرچه برخی توزیع کنندگان چینی به‌طور داوطلبانه اکران چندین نسخه فیلم را لغو کردند یا به تعویق انداختند، کمپانی Huanxi که توزیع‌کننده فیلم‌های پرفروش چینی است، اعلام کرد فیلم «گمشده در روسیه» یعنی بزرگ‌ترین شانس تجاری سینمای چین در سال پیش‌رو را به صورت رایگان از اینترنت پخش می‌کند. حتی مواد تبلیغاتی، مخاطبان را تشویق می‌کردند که در خانه با خیال راحت بمانند و به تماشای «گمشده در روسیه» بپردازند و این را هم در ذهن‌تان داشته باشید تمام این اتفاقات قبل از آن رخ داد که دولت چین به صورت قانونی تماشای فیلم در سالن‌ها را ممنوع اعلام کند. «اژدهای جاقی وارد می‌شود» که دومین شانس بزرگ تجاری امسال در سینمای چین محسوب می‌شد، هم به صورت آنلاین نمایش داده شد. سازندگان این فیلم ترجیح دادند به جای موکول کردن زمان نمایش آن به تاریخی امن‌تر، از پخش آنلاین این فیلم به‌عنوان ابزاری برای تشویق مردم به ماندن در خانه استفاده کنند.

این در حالی است که عملاً سینمای ایران، خودش را در وضعیت انتظار قرار داده و بدون هیچ واکنشی منتظر است ببیند چه می‌شود. سینماداران و پخش کنندگان سنتی سینمای ایران به‌شدت مخالف پخش آنلاین فیلم‌ها هستند و عملاً اکران فیلم‌ها در سال ۹۹ موکول به ایام دوری از بحران می‌شود. در چنین وضعیتی در سال ۹۹، شاهد تراکم اکران فیلم‌ها در فصل‌های اکران کران خواهیم بود و احتمالاً پخش زیادی از آثار سینمایی تولیدشده در یک سال گذشته، به این زودی‌ها فرصت اکران نخواهند داشت. در شرایطی که سازوکاری برای پخش اینترنتی وجود ندارد و مردم هم مجبور به در خانه ماندن هستند، اهمیت شبکه نمایش خانگی و سامانه‌های پخش آنلاین بیش از پیش احساس می‌شود.